

## اتحادیه اروپا و معضل پناهندگان!

کاوه مبشر

مهاجرت، آوارگی و پناهندگی یکی دیگر از مصائب نظام سرمایه داری است. هرساله هزاران نفر خانه و کاشانه خویش را جا گذاشته و آواره سرنوشتی نامعلوم می شوند. مردمانی که برای جان سالم بدر بردن مجبور به تحمل شرایط بسیار سختی می شوند. تعداد زیادی از این پناهندگان توسط قاچاقیان مجبور به پرداخت پول زیادی شده و برخی از آنها در کشتی های ناامن در آبهای ایتالیا، یونان، استرالیا و غیره غرق شده و یا در سرما خشک می شوند. شرایطی که این انسانها از آن فرار می کنند عبارت است از: دیکتاتوری و خفقان، عدم وجود کمترین آزادهای انسانی - دمکراتیک، عدم رعایت حقوق بشر، فقر و فلاکت و در یک کلام عدم وجود شرایط یک زندگی شایسته انسانی. بسیاری از این پناهندگان از کشورهایی فرار کرده اند که مدت طولانی در حال جنگ بین دولتها و یا گروههای ملی - چریکی بوده و یا مثل آوارگان کرد که نفس کرد بودنشان در دولتهای منطقه، عامل تحت تعقیب و پیگرد سیاسی بودنشان بوده و سالیان درازی در طول تاریخ در جنگ و آوارگی بسربرده اند. سیاه پوستانی که گروه گروه از گرسنگی می میرند و گوشت دم توپ جنگهای بی پایان داخلی شده اند. بطور واقعی کلمات از بیان آن شرایط غیرانسانی که نظام سرمایه داری و دولتهای دیکتاتور در این کشورها برای این مردم که برای نجات خود بی گذار به هر آبی می زند ببار آورده، عاجز است و هر اندازه از توضیح این شرایط هنوز گوشه های کوچکی از این وضعیت را بیان کرده است.

سوال اینست که این پناهندگان که بعد از تحمل شرایطی سخت و با پرداخت هزینه های هنگفت بوسیله اسب و پیاده و یا قایقهای بدون امنیت و به شکل غیرقانونی خود را به لب مرز آبی و یا خشکی یک کشور بطور مثال اروپایی رسانده اند به چه شکلی به آنها برخورد می شود؟

در کشورهایی همچون ترکیه، مراکش و یونان که اتحادیه اروپا آنها را بعنوان ترانزیت پناهندگان به کشورهای اروپایی قلمداد می کند، این پناهندگان بطور مرتب تحت فشار بوده و بارها دستگیر شده و به کشورشان از جمله ایران دپورت می شوند. طبق آمار تخمینی «سازمان همبستگی با پناهجویان» در سال ۲۰۰۱ تعداد ۱۵۰ هزار پناهنده توسط پلیس ترکیه دستگیر شده اند و تعداد دیگری نیز که در لب مرزها نگه داشته شده اند، تحت بدترین شرایط، منتظر جوابیه از سوی سازمان ملل و کشورهای اروپایی هستند. در خود کشورهای اروپایی مسئله پناهندگان همیشه مورد جنجال و موضوع رقابتهای انتخاباتی پارلمانها و عامل فشاری از جانب احزاب راست افراطی برای تحمیل شرایط سخت تر پناهنده پذیری می باشد. استفاده سیاسی از پناهندگان منتظر در قایقهای بدون امنیت در مرزهای آبی ایتالیا و استرالیا تنها نمونه های کوچکی در این مورد هستند. حملات مستمر به کمپها و هایم های پناهندگان، انتظار نامحدود برای جواب اداره مهاجرت های این کشورها، نداشتن امکانات درمانی و پزشکی، مبتلا شدن به انواع امراض روانی و خودکشی های متعدد در مدت انتظار، تنها نمونه های کوچکی از این سرنوشتی هست که هنوز معلوم نیست کدام جواب رد یا قبولی پناهندگی می گیرد. زمانیکه پناهندگان جواب قبولی گرفته و از جانب دولتهای این کشورها به عنوان پناهنده و در مواردی تبعه این کشورها پذیرفته شده اند نیز هنوز بشکل مستمر از طرف مراجع دولتی، کارفرمایان و احزاب دست راستی تحت تبعیض و تحقیر شدیدی هستند و تفاوت های نژادی و «کله سیاه» بودن همش بر فرق سر مهاجرین آویزان هست. و در بسیاری از شهرهای

بزرگ اروپایی مرکز زیست پناهندگان بشکل گنوه‌های جدا از سایر ساکنین تبدیل شده و به مشکلات زیستی آنها به شکل تبعیض آمیزی برخورد می‌شود. مهاجرین در این جوامع عملاً به عنوان شهروندان درجه دو تلقی می‌شوند و زمانی که در سطح محدودی موفق به پیدا کردن شغلی شوند اکثراً از کارهایی هست که در سطح بسیار پایینی از استاندارد اجتماعی هست. کارگران مهاجر در این کشورها علاوه بر استثمار و ستم طبقاتی، به عنوان مهاجر و «کله سیاه» نیز تحت شدیدترین تحقیر و تبعیض هستند. تفکرات راسیستی حتی در میان بخشهایی از مردم عادی به شکل پوشیده‌ای رواج داشته به نحوی که حتی زمانی که در خواست به فرزند خواندن نوزادان را دارند، آرزو دارند که از میان نژاد سفید اروپایی انتخاب کنند. فعالین احزاب راسیستی و احزاب راست افراطی بطور سیستماتیکی مشغول اذیت و آزار مهاجرین هستند. مهاجرین در هیچکدام از پارلمانها و مراجع دولتی حتی در کمترین سطحی نمایندگی نمی‌شوند. بهر حال بحث مربوط به پناهندگانی که دارای اقامت و تبعه رسمی این کشورها هستند، خود کتابها سخن لازم دارد و از حوصله این چند سطر خارج هست.

رهبان کشورهای اروپایی در اجلاس اخیر خود در اسپانیا در نظر دارند که سیاست کشورهای عضو اتحادیه را هرچه بیشتر هماهنگ کرده و مشترکاً جلو ورود بیشتر پناهندگان «غیرقانونی» را بگیرند و حتی برخی از کشورهای اروپایی خواستار مجازات کشورهای پناهنده خیز و کشورهای «ترانزیت» شده‌اند که گویا جلو ورود پناهندگان به این کشورها را نگرفته‌اند. تدابیر اخیر اتحادیه اروپا در حالی است که در چند سال اخیر تقریباً همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا سیاست بمراتب سخت‌گیرانه‌تری را در مورد پذیرش پناهندگان اتخاذ کرده و هماهنگی‌های پلیسی لازم را در مورد جلوگیری از ورود پناهندگان سازمان داده‌اند و بویژه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر شرایط ویزائی را محدودتر کرده و کنترل در فرودگاهها را بسیار بیشتر کرده‌اند. دولتهای اروپایی بسیاری از خواستههای احزاب راست افراطی را عملاً اتخاذ کرده‌اند. بسیاری از کشورهایی که پناهندگان در اثر خفقان و استبداد مجبور به فرار از آنها هستند، از جمله ایران و... از جانب اتحادیه اروپا به عنوان کشورهای «امن و با ثبات» قلمداد و با آنها وارد قراردادهای اقتصادی - بازرگانی درازمدت شده‌اند و بدینوسیله خود اتحادیه اروپا در تداوم دیکتاتوری و خفقان در این کشورها و فرار پناهندگان از آنها بطور غیرمستقیم سهیم شده‌اند.

در دفاع از حقوق پناهندگان و برعلیه سیاست سخت‌گیرانه اتحادیه اروپا در مورد پذیرش پناهندگان بایستی ایستادگی کرد. احزاب چپ و رادیکال و اتحادیه‌های کارگری در کشورهای اروپایی وظیفه دارند که از مبارزات پناهندگان برای دستیابی به شرایط انسانی‌تر سیاست پناهندگی و احقاق حقوق انسانی‌شان پشتیبانی کرده و دولتهای اتحادیه اروپا را برای اتخاذ سیاست انسانی‌تری در پناهنده‌پذیری تحت فشار قرار دهند. ما مهاجرین و پناهندگان ساکن کشورهای اروپایی لازم است از حقوق انسانی پناهندگان دفاع نمائیم و در این راه آنها را مورد پشتیبانی قرار دهیم و در مقابل فشار جریان راست اروپا که از جمله در انتخابات پارلمانی فرانسه، اتریش، دانمارک، بلژیک و غیره جای پای فاشیستی خود را نشان داده، در ارتباط و همکاری با احزاب چپ و رادیکال، اتحادیه‌های کارگری و تشکلات ضد راسیستی، ایستادگی کرده، بر افکار عمومی تاثیر گذاشته و صف محکمی را در برابر تعرض آنها ایجاد کنیم. جای تردید نیست که قدرت‌گیری مجدد جریان‌های راست افراطی در اروپا تهدید جدی برای عموم مهاجرین و پناهندگان خواهد بود و در این میان اجازه اقامت و تبعه داشتن هیچ برگ عبوری برای «ترحم بیشتر» و کمتر شدن تبعیضات نخواهد بود.

